

# آسیب‌شناسی تفسیرهای شعر حافظ

دکتر بهادر باقری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه خوارزمی تهران

حافظ از معدود شاعرانی است که نوشتن شرح و تفسیر بر شعرش، چند سال پس از درگذشت وی آغاز شده است. آذری طوسی در جواهرالاسرار و فاروقی و عبیدالله احرار و دوانی کازرونی در سده نهم، تفسیرهایی بر چند بیت و غزل حافظ نوشته‌اند (نک: فتوحی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). این روند تا امروز با افت‌وخیزها و رویکردهای گوناگون ادامه یافته است و شاید بتوان گفت که بیشترین شرح و تفسیر شعر در میان شاعران ایرانی، به غزل‌های بکر و بدیع حافظ اختصاص دارد. این جانب پیش‌ازین در کتاب فرهنگ شرح‌های حافظ و مقاله «شرح‌های حافظ» در جلد نوزدهم دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، به تفصیل تاریخچه و چندچون شرح شعر حافظ از سده نهم هجری تا پایان سال ۱۳۸۰ را نشان داده است (نک: باقری، ۱۳۸۷).

در سه دهه اخیر شاهد رشد و شکوفایی روزافزون در سیر شرح‌نویسی بر شعر خواجه بوده‌ایم. این شرح‌ها در معرفی اندیشه و هنر و آفرینش حافظ به جامعه ادبی ایران و جهان، نقشی بسزا و کتمان‌ناپذیر داشته‌اند؛ هم‌گره‌های بسیاری از اشعار وی را گشوده‌اند و هم‌پرده از بسیاری رازهای هنرمندانانه آن‌ها برداشته‌اند. در این مجال اندک، ضمن پاسداشت و سپاس از تلاش عاشقانه و رازجویانه اکثر تفسیرهای منتشرشده و قدردانی از همت و کوشش آنان، بر آنیم تا برخی اشکال‌ها و کاستی‌های آن‌ها را بررسی کنیم. بدیهی است که این نکات با بررسی اغلب شرح‌ها به چشم می‌آید و سهم آن‌ها در ابتلا بدین کاستی‌ها یکسان نیست.

۱. **یک‌سونگری:** منظور از شرح‌های یک‌سونگر آن دسته از شرح‌هاست که از زاویه‌ای خاص به شعر وی می‌نگرند و پیش‌فرض‌های خود را بر شعر تحمیل می‌کنند؛ اشعار حافظ را تماماً عرفانی یا مادی‌گرا

تلقى می‌کنند یا به دنبال مصداق‌های روشن و دقیق تاریخی برای غزل‌ها هستند. درکل، این شرح‌ها را می‌توان به شش نوع تقسیم‌بندی کرد: با گرایش عرفانی، گرایش تاریخی، گرایش نجومی، گرایش مادی، گرایش مهرپرستی، و گرایش روانکاوانه (فرویدی). انواع یک‌سونگری در شرح‌نویسی بر اشعار حافظ هنوز نیز رایج است، هرچند تعداد این‌گونه تفسیرها نسبت به شرح‌های چندجانبه‌نگر کمتر است. درواقع، می‌توان گفت در این‌گونه شرح‌ها به تعبیر اصغر دادبه، نگاه کلام‌محور بر نگاه فلسفه‌محور برتری دارد.

یک‌سونگری این است که خواننده یا مفسر متن، شعر را آن‌گونه که می‌پسندد و دوست دارد، با پیش‌فرضی مشخص و انعطاف‌ناپذیر بخواند و شرح کند. در این حالت، اساس دریافت او، خواسته‌ها، پیش‌فرض‌ها، علایق و سلاقی اوست که بر دوش ظریف شعر تحمیل می‌شود. از خاستگاه‌های یک‌سونگری، تربیت ذهنی و عقیدتی فرد و دیگر، شعرناشناسی و خلط مبحث آن با علم و فلسفه است. از عواقب یک‌سونگری و مطلق‌اندیشی در عالم شعر و هنر این است که شخصیت هنرمند یا شاعر، یک‌جانبه و تک‌بعدی معرفی می‌شود: عارف محض، مورخ محض، منجم محض، مهرپرست، کافر محض یا مادی‌گرای محض. بدین دلیل، اندیشه‌های او نیز تک‌لایه و تک‌بعدی می‌شود. تعیین مصداق‌های جزئی و صریح نیز از پیامدهای آن است. شارح برای هر بیت شاعر و هر تصویر شاعرانه‌ای، مصداق عینی و دست‌یافتنی پیدا و معرفی می‌کند. ناگفته پیداست که یک‌سونگری ذومراتب و نسبی است. گاه ملایم و پیشنهادی است و گاه جدی و ستیزه‌جویانه. شارح یک‌سونگر، گاه حسرت می‌برد و اندوه می‌خورد که دیگران از فیض کشف و دریافت او عاجز و محروم‌اند و گاه دیگراندیشان را به باد تمسخر و اعتراض و حتی تکفیر می‌گیرد. در بیشتر مواقع با تعصب و جانب‌داری همراه است.

## ۲. یکسان‌انگاری غزل‌ها: علی‌محمد حق‌شناس در مقاله «معنا و آزادی در شعر حافظ» بر آن

است که از نظر وضوح و ابهام و چندلایه‌بودن معنایی، شیوه بیان حافظ را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: بیان بی‌واسطه معنا، مضمون‌پردازی، نقل ناقص معنا و نقل کامل معنا در بیان بی‌واسطه (حق‌شناس، ۱۳۸۲: ۳۰ تا ۳۷). براین اساس می‌توان یکی از کاستی‌ها و اشکالات شرح‌های حافظ را چنین برشمرد که بیشتر آن‌ها، غزل‌های حافظ را در یک سطح معنایی دیده و تفسیر کرده‌اند؛ درحالی که می‌توان براساس چنین تقسیم‌بندی‌ای، شرحی مناسب با هریک از سطوح معنایی نوشت.

## ۳. تک‌بیت‌گرایی: حجم عظیمی از شرح‌های نوشته‌شده، فقط یک بیت از کل غزل را بررسی و

تفسیر کرده‌اند و به ارتباط معنایی و مفهومی بیت با ابیات پیش و پس از آن، کاری نداشته‌اند. این‌گونه بررسی شعر حافظ، تفسیری ناقص و گاه نادرست از بیت ارائه می‌کند.

#### ۴. **طریق سلام جستن یا شرح لغوی و نه محتوایی:** معناکردن واژه‌به‌واژه بیت و درحقیقت

تبدیل کردن بیت به نثری ساده و دستورمند، مرحله نخستین شرح است؛ اما به‌ویژه در شعر حافظ، بسنده کردن به این مقدار، گره بیت را نمی‌گشاید و نیاز به تفسیر محتوایی را رفع نمی‌کند. درحقیقت به اصول اندیشه و جهان‌نگری حافظ و مفاهیم کلیدی در این تفسیرها توجه شایانی نشده است.

#### ۵. **بی‌توجهی به پیشینه شرح‌ها:** آگاهی از پیشینه پژوهش، از اصول اولیه و بدیهی روش تحقیق

به‌شمار می‌رود. با مطالعه بسیاری از شرح‌های شعر حافظ درمی‌یابیم که نویسندگان از پیشینه شرح‌ها و گره‌گشایی‌هایی که شارحان پیشین کرده‌اند، اطلاعی نداشته‌اند و ای‌بسا اگر آثار پیش از خود را دیده بودند، نیازی به نوشتن شرحی دیگر و مکرر نمی‌یافتند. از دلایل وجود شرح‌های یکسان و تکراری همین نکته است.

#### ۶. **مطلق‌گرایی و جزم‌اندیشی:** مطلق‌گرایی و جزم‌اندیشی و صدور حکم‌های کلی و انعطاف‌ناپذیر

در دنیای شعر و هنر، کار درست و دقیقی نیست. به‌ویژه در شعر چندلایه و منشوروار حافظ اگر شارحی، تفسیر خود را کاملاً دقیق و درست و تنها معنای موجود تلقی کند، به بیراهه رفته است. این‌گونه نقد و نظر از دیرباز در شرح شعر حافظ وجود داشته و متأسفانه هنوز نیز وجود دارد.

#### ۷. **بی‌توجهی به زبان شعر:** اگر بپذیریم که شعر آینه است و هرکس نقش خود را در آن

می‌نگرد و اینکه زبان و منطق شعر با زبان و منطق علم و فلسفه، تفاوت ماهوی دارد و نهایتاً هدف از آفرینش متن ادبی و هنری با متن علمی و اطلاع‌رسان متفاوت است و در زبان شعر، هر دال تنها و تنها یک مدلول خاص و محدود ندارد و نیز، اگر شعر را ملتقای اندیشه، تخیل، عاطفه و آهنگ بدانیم، نتیجه می‌گیریم که اندیشه‌ای که در زبان شعر مطرح می‌شود، چون با تخیل و عاطفه درآمیخته است، نباید و نمی‌توان با معیارهای محدود و بی‌انعطاف زبان علمی و فلسفی، زوایا و خفایای آن را جست و نشان داد. اگر با همان ابزاری که متن علمی درک و تفسیر می‌شود، در پی تفسیر شعر باشیم، این هنر چندلایه، منشوروار، رازانگیز و دور از دسترس فهم عامه را به سطح بسیار نازل یک خبر ساده و بی‌آرایش فرو کاسته‌ایم و رسالت و اصالت آن را دستخوش بدفهمی یا محدودسازی خویش کرده‌ایم. اینکه زبان شعر با زبان متن‌های تاریخی و فلسفی، تفاوت ماهوی دارد، موضوعی بدیهی است که در بسیاری شرح‌ها نادیده گرفته شده است. گویی شارحان با متنی تاریخی روبه‌رو بوده‌اند که در آن، واژگان شعری تنها کارکرد ارجاعی و تک‌بعدی داشته‌اند و کارکرد کنایی و استعاری و رمزگونه آن‌ها فراموش شده است.

۸. **ساده‌نگاری و شتاب‌زدگی:** یافتن معنایی سراسر است و غور نکردن در ابعاد گوناگون معنایی و محتوایی شعر حافظ نیز از دیگر کاستی‌های این‌گونه تفسیرهاست. بدین معنا که بسیاری از اشعار حافظ ساده نیستند، بلکه ساده‌نمون‌اند و ممکن است شارح یا خواننده را فریب دهند؛ درحالی‌که با بررسی و دقت بیشتر درمی‌یابیم که شبکه‌واژگانی و محتوایی پیچیده‌ای در ابیات غزل موجود است که با کشف آن‌ها، معناهای رنگارنگ و زیبایی بیت رخ می‌نماید.

۹. **هرکسی از ظن خود شد یار من:** در برخی مواقع پرداختن به تفسیر شعر حافظ جنبه ذوقی و با تفننی یافته است. گویی هرکس خواسته است دستی بر آتش شرح شعر خواجه داشته باشد. شارحی مدعی است که حافظ را در خواب دیده و به وی امر شده که بر فلان شعر تفسیری بنویسد و گره‌گشایی کند. اقتراح برخی مجلات نیز به نوشتن تفسیرهایی درست یا نادرست انجامیده است. دیگری تمامی شارحان را گمراه و گرفتار خطا دیده و خواسته است آن‌ها را از گمراهی نجات دهد. این‌گونه دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه در روند شرح‌نویسی البته در سال‌های اخیر کم و کمتر شده است.

۱۰. **حافظ‌ستایی:** هنوز نیز در برخی مواقع، حافظ‌ستایی بر حافظ‌شناسی و حافظ‌پژوهی برتری دارد. در عظمت و محبوبیت شخصیت و شعر خواجه رندان کمترین تردیدی نیست؛ اما در نوشته‌های پژوهشی رعایت بی‌طرفی و پرهیز از دخالت‌دادن عواطف و احساسات و تقدیس شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی، ضرورتی انکارناپذیر دارد که نباید از نظر دور داشت.

۱۱. **افسانه‌پردازی:** در برخی شرح‌ها که خوشبختانه تعداد آن‌ها اندک است، نوعی داستان‌پردازی و افسانه‌سازی درباره حافظ و روزگار و احوال وی صورت گرفته است. داستان‌هایی که هیچ پایه و مایه تاریخی و عقلی و نقلی ندارند و تنها براساس حدس و گمان نویسنده شکل گرفته‌اند و در برخی نمونه‌ها چونان گزاره‌هایی قطعی و بدون هیچ‌گونه تردید، مطرح و موضوعی بدیهی انگاشته شده‌اند.

۱۲. **بی‌توجهی به تأثیرپذیری حافظ از شاعران پیش از خود:** مطمئناً حافظ در سرودن اشعار ناب خویش، از بسیاری شاعران معاصر و پیش از خود تأثیر پذیرفته است. بررسی این موضوع مهم در فهم شعر وی بسیار ضروری و سودمند است و بسیاری از شارحان، به خود زحمت یافتن این ریشه‌های اندیشگی و ذوقی حافظ را نداده‌اند و به اهمیت آن عنایت نداشته‌اند.

۱۳. **اطناب و تکرار مکررات:** اشکال بسیاری از شرح‌ها این است که به تکرار مطالب دیگران، با یا بدون ذکر منبع، پرداخته و تفسیرهایی مطول ارائه کرده‌اند. باتوجه به نوع زندگی پُرمشغله امروزی و گرانی کاغذ و کتاب، رعایت ایجاز و اختصار در نوشتن شرح ضروری به نظر می‌رسد.

**۱۴. نامعلوم بودن مخاطبان:** دامنه خوانندگان برخی شرح‌ها مشخص نیست. خوب است شارحان، مشخص کنند که کتابشان، برای چه گروهی از خوانندگان نوشته شده است. برای نمونه، بسیاری از شرح‌ها در جذب خوانندگان جوان ناتوان‌اند و ضروری است که شرح‌هایی برای خوانندگان خاص از جمله جوانان و نوجوانان نوشته شود.

**۱۵. شرح نکردن شعر با شعر:** از راه‌های بسیار خوب شناخت اندیشه و هنر هر شاعر، شرح و تفسیر شعر وی با استفاده از دیگر اشعار اوست. شرح‌هایی که به این موضوع مهم توجه ویژه و درخور نداشته‌اند، کمتر توانسته‌اند مفاهیم کلیدی و مکرر و مهم شعر حافظ را تبیین و تفسیر کنند.

**۱۶. فقدان شرح‌های موضوعی:** در کنار شرح‌هایی که تمامی یا بخشی از دیوان حافظ را از آغاز تا پایان، بیت‌به‌بیت تفسیر کرده‌اند، جای خالی شرح‌های موضوعی نیز احساس می‌شود؛ یعنی شرح‌هایی که نه براساس ترتیب ابیات و غزل‌ها، بلکه براساس موضوعات و مفاهیم مهم و مکرر موجود در شعر حافظ شکل یافته باشد.

**۱۷. سیر تاریخی تطور واژگان کلیدی:** از زمینه‌هایی که بهتر و دقیق‌تر جایگاه واژگان و مفاهیم کلیدی در شعر حافظ را نشان می‌دهد، نشان دادن سابقه یا تاریخچه این واژگان یا مفاهیم در تاریخ شعر فارسی یا حوزه ادبیات اسلامی و شرقی است؛ کار بایسته‌ای که در برخی شرح‌ها دیده می‌شود، اما لازم است با جدیت و دقت نظر بیشتر، به این مهم پرداخته شود. برای نمونه سیر تطور اصطلاح «رند» از آغاز ورود به شعر فارسی تا زمانی که در شعر حافظ، چهره و معنای ویژه‌ای به خود می‌گیرد، خواننده را بهتر و ژرف‌تر در حوزه معنایی و مفهومی این واژه کلیدی قرار می‌دهد.

**۱۸. فقدان کار گروهی:** هریک از شارحان، در بررسی یکی از عرصه‌های فرم یا محتوای شعر خواجه، تخصص و دقت نظر داشته‌اند و نبود کار گروهی در این عرصه کاملاً هویداست. پیشنهاد می‌شود که گروهی از حافظ‌شناسان با توانمندی‌ها و تخصص‌های گوناگون به شرح شعر حافظ بپردازند. مطمئناً هر عضو این گروه با تخصص ویژه خود، بخشی از شعر را تفسیر می‌کند و دیگری بخش دیگر صوری یا محتوایی شعر را و بدین‌سان به شرح یا شرح‌هایی چندجانبه‌نگر و کامل‌تر دست می‌یابیم.

### نتیجه‌گیری

در نتیجه به نظر می‌رسد که داشتن چنین ویژگی‌هایی برای شارح شعر حافظ ضروری است: نویسنده شرح نخست باید با زبان فارسی و پیچ‌وخم‌ها و راز و رمزهای آن و سپس با زبان شعر و دلالت‌های

روشن و پنهان آن آشنا باشد؛ تأویل‌پذیری و آینه‌سانی و چندلایگی شعر وی را دقیقاً دریافته باشد و از هرگونه یک‌سونگری و مطلق‌اندیشی بپرهیزد؛ زمانه و زمینه دینی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی روزگار وی را بشناسد؛ نوع تأثیرپذیری شاعر از شاعران پیشین و معاصرانش را بداند؛ عقاید و باورداشت‌های جزمی و پیشین خود را بر شعر وی تحمیل نکند و به متن و دلالت‌های آن وفادار باشد، نه اینکه به دنبال اثبات پیش‌انگاره‌های خود با استفاده از شعر وی باشد؛ شیوه کار وی مشخص و یکدست و منظم باشد؛ از توضیح واضحات و تکرار بی‌دلیل بپرهیزد و تأکیدش بیشتر بر دشواری‌ها و ابهامات و ابهامات و مفاهیم کلیدی و مهم و بیان آن‌ها با زبانی ساده و روشن باشد؛ اگر به تأویل روی آورده، قواعد آن را به خوبی اعمال کند و انطباق‌پذیری آن را با مقتضیات و نظام ساختاری متن در نظر داشته باشد؛ بیت حافظ را مستقلاً و بدون جست‌وجوی ارتباط پنهان و زیرکانه و هنرمندانه آن با دیگر ابیات و فضای کلی غزل، شرح و تفسیر نکند و محور عمودی غزل را در نظر داشته باشد؛ معیارها و ملاک‌های پژوهش علمی از جمله، نقل و نقد منابع مهم و دست‌اول پیشین، ارجاعات درست، امانت و تردید و انصاف علمی را رعایت کند.

#### کتابنامه

۱. باقری، بهادر (۱۳۸۷)، فرهنگ شرح‌های حافظ، تهران: امیرکبیر.
۲. باقری، بهادر (۱۳۹۰)، «شرح‌های شعر حافظ»، در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۹، تهران: انتشارات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳. حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۲)، «معنا و آزادی در شعر حافظ»، در زبان و ادبیات فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته، تهران: آگاه.
۴. فتوحی، محمود و محمدافشین وفایی (۱۳۸۸)، «مخاطب‌شناسی حافظ در سده‌های هشتم و نهم هجری براساس رویکرد تاریخ ادبی هرمنوتیک»، مجله نقد ادبی، س ۲، ش ۶، ص ۱۲۶ تا ۱۲۶.